

پویایی سیاق کلام (ژانر) در مقالات پژوهشی: رویکرد ژانر-محور به هایپرلینک‌های مقالات پژوهشی در محیط ابرمتنی

زهرا امیریان*

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۱، تاریخ تصویب: ۹۸/۰۶/۰۶، تاریخ چاپ: دی ۱۳۹۸)

چکیده

پیشرفت‌های روزافزون در فناوری وابسته به وب، پژوهشگران گسترش آموزش زبان دوم را بر آن وامی دارد که ببینند چگونه می‌توان این فناوری را به‌طور موثر در تسهیل فرایند یادگیری و آموزش زبان انگلیسی به‌کار گرفت. به‌منظور تسهیل فرایند آموزش و نگارش مقالات پژوهشی و با تکیه بر مدل تحلیل سیاقی کلام (سوایلز^۱، ۱۹۹۰، ۲۰۰۴)، پژوهش حاضر به بررسی این نکته پرداخت که آیا هایپرلینک‌های مقالات ابرمتنی^۲ با حرکات^۳ و گام‌های^۴ ساختاری انطباق مکانی یا مفهومی دارند یا خیر. بدین منظور، سی مقاله ابرمتنی رشته زبانشناسی کاربردی، از لحاظ ساختار ژانری و محل هایپرلینک‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل مقالات ابرمتنی نشان داد که ارتباط مکانی یا مفهومی خاصی میان حرکات ساختاری و هایپرلینک‌ها در دو بخش مقدمه و بحث وجود نداشت. به‌عبارت دیگر، هایپرلینک‌ها در محل حرکت‌ها و گام‌های ساختاری قرار نگرفته‌اند. نتایج این تحقیق می‌تواند راهکارهایی برای تلفیق فناوری وابسته به وب و مدل سیاقی کلام سوایلز در آموزش شیوه نگارش مقالات پژوهشی انگلیسی ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: محیط ابرمتنی، سیاق کلام (ژانر)، ساختار سیاقی کلام، گام‌های ساختاری، سوایلز.

* E-mail: z.amirian@fgn.ui.ac.ir

1. Swales
- 2- hypertextual
- 3- moves
- 4- steps

۱- مقدمه

پیشرفت‌های روزافزون در ارتباطات الکترونیکی و ظهور ژانرهای سایبری متنوع، منجر به کاهش محدودیت‌هایی شده است که از طریق چاپ و نوشتار بر متون تحمیل می‌شود. "قابلیت‌هایی که بواسطه فناوری ارتباطات حاصل شده است (نظیر محیط ابرمتن، چندرسانه‌ای بودن و هم‌کنشی با متن)، منجر به ظهور ژانرهای جدیدی شده که تفسیر و درک صحیح آن‌ها نیازمند مدل جدیدی از تحلیل سیاقی کلام است" (آلفونزو، مارکو و مادرید^۱، ۲۰۰۸، ص. ۲). متون برخط به‌طور رو به‌رشدی در محیط ابرمتنی ظاهر می‌شوند که از طریق این محیط، می‌توان با یک کلیک از بخشی از متن به بخش دیگر آن و یا حتی به‌متون مرتبط با آن در سایت‌های دیگر متصل شد. طبق تعریف آلتون^۲ (۲۰۰۳)، ابرمتن "محیطی غیر خطی، غیر ترتیبی، الکترونیکی، متنی و ابررسانه‌ای است. خواندن در این محیط به‌صورت هم‌کنشی بوده و مبتنی بر چندین منبع اطلاعاتی است که از طریق شبکه اینترنت به یکدیگر متصل‌اند" (ص. ۳). بر همین اساس، لمکه^۳ (۲۰۰۳) نیز معتقد است "فناوری ابرمتنی و چند رسانه‌ای امکان تولید متون شاخه‌ای چند رسانه‌ای را برای نویسندگان فراهم می‌آورد" (ص. ۵). حال، وجود این قابلیت منجر به طرح سوالی جدید می‌شود: چگونه فعالیت‌های اجتماعی-نشانه‌ای نوین را می‌توان در قالب سیاق کلام (ژانر) تحلیل و مدلسازی نمود؟

طراحان ابرمتن باور دارند "ابرمتن برخلاف متون معمولی خطی، شباهت نزدیک به‌چیدمان شبکه‌ای در هم پیچیده اطلاعات در مغز انسان دارد که همین امر فرایند خواندن و نوشتن و حتی تفکر و یادگیری را تسهیل می‌کند" (چارنی^۴، ۱۹۹۴، ص. ۲۴۴). بولتر^۵ نیز (۲۰۰۱) معتقد است ابرمتن به‌طور بالقوه می‌تواند به‌خوانندگان کمک کند که از طریق لینک‌ها به‌ایده‌های مرتبط با آنچه می‌خوانند، دسترسی پیدا کنند و نیز در صورت نیاز، از طریق ارتباط با سایر متون و سایت‌ها، ابهامات خود را در مورد موضوع مورد مطالعه برطرف نمایند. بیمن و دیگران^۶ (۱۹۸۷) از این ویژگی به‌عنوان "شناوری^۷ متون الکترونیک" یاد کرده و بیان می‌کنند "ابرمتن، خوانندگان و نیز نویسندگان را از قید و بندهای متون چاپی رها می‌کند و امکان گشت

1- Alfonso, Marco, and Madrid

2- Altun

3- Lemke

4- Charney

5- Bolter

6- Beeman, et al

7- fluidity

و گذار در سلسله‌ای از متون مرتبط را برای آن‌ها فراهم می‌کند" (ص. ۷۳). "از محیط ابرمتن در متون ادبی و سایر متون علوم انسانی استفاده می‌شود تا از این راه بتوان امکان دسترسی فراگیران را به شبکه‌هایی غنی از مطالب فرهنگی و تاریخی مرتبط با متن اصلی مورد بحث فراهم آورد" (ص. ۷۴). از آنجایی که شبکه جهانی اینترنت باعث ظهور سیاق‌های سایبری متعددی شده و این سیاق‌های کلام نیز به‌طور رو به‌رشدی در محیط‌های ابرمتنی ظاهر می‌شوند، بررسی ویژگی‌های این سیاق‌های الکترونیکی نوین ضروری به‌نظر می‌رسد. سیاق‌های سایبری ویژگی‌های منحصر به‌فردی دارند که حاصل ماهیت چند رسانه‌ای و ابرمتنی آن‌ها می‌باشد (آلفونزو، مارکو و مادرید، ۲۰۰۸). برخی از محققین به‌بررسی این نکته پرداخته‌اند که چگونه سیاق‌های کلام ابرمتنی از قابلیت‌هایی که اینترنت برای آن‌ها فراهم آورده است، بهره‌برده‌اند و از چه جنبه‌هایی این سیاق‌های جدید الکترونیکی از هم‌تاهای قدیمی غیر الکترونیکی خود متمایز شده‌اند (شفرد و واترز^۱، ۱۹۹۸، دیلون و گوشرووسکی^۲، ۲۰۰۰، اسکهیو و نیلسون^۳، ۲۰۰۵؛ آلفان^۴، ۲۰۱۷). این محققان بر این باورند که قابلیت‌هایی که اینترنت برای این گونه متون فراهم می‌کند به‌اندازه‌ی فرم و محتوا در تعریف ماهیت آن‌ها تعیین‌کننده است. آن‌ها معتقدند "در تجزیه و تحلیل سیاق‌های کلام دیجیتال، ویژگی‌های فراهم شده توسط فناوری وب نیز باید در کنار ویژگی‌های زبانی و ساختاری متون، بررسی شوند" (اسکهیو و نیلسن، ۲۰۰۵، ص. ۳۰). در همین راستا، کرس^۵ (۲۰۰۳) ادعا می‌کند که "لازم است در تحلیل متون از مدلی که تنها به تحلیل زبانی می‌پردازد، فاصله بگیریم و به‌سمت و سوی مدلی برویم که ویژگی‌های رسانه نظیر تصویر، نوع قلم، رنگ، موسیقی و قابلیت‌های وب را نیز مورد بررسی قرار دهد" (ص. ۳۵-۳۶). از سوی دیگر، رویکردهای مبتنی بر سیاق کلام (ژانر)، ابزارهای نظری و آموزشی مفیدی را در جهت بالا بردن دانش علمی و حرفه‌ای برای فراگیران زبان انگلیسی فراهم آورده‌اند. ساختار ژانری مقالات علمی چاپ شده یا ساختار بخش‌های مختلف آن‌ها توجه محققان را به‌خود جلب نموده (دودلی ایوانز^۶، ۱۹۹۴؛ باتیا^۷؛ هولمز^۸، ۱۹۹۷)

- 1- Shepherd and Watters
- 2- Dillon and Gushrowski
- 3- Askehave and Nielsen
- 4- Alafnan
- 5- Kress
- 6- Dudley-Evans
- 7- Bhatia
- 8- Holmes

و مدل سیاقی آن‌ها ارائه گردیده است. پژوهش‌های مربوط به تحلیل بخش مقدمه‌ی مقالات علمی (سویلز ۱۹۹۰/۱۹۸۱) و بخش بحث آن‌ها (دودلی ایوانز، ؛ هوپکینز و دودلی ایوانز^۱، ۱۹۹۸)، چکیده مقالات (سالاجر-میر^۲، ۱۹۹۰؛ آیرز^۳، ۱۹۹۳؛ جی^۴، ۲۰۱۵) و بخش نتایج (تامسون^۵، ۱۹۹۳) در گسترش آموزش نگارش مقالات علمی ثبت شده است ولیکن، تاکنون تحقیق سازمان یافته‌ای بر روی ساختار سیاقی این بخش‌ها در محیط‌های ابرمتنی صورت نگرفته است.

طبق تعاریف سنتی، "ژانر به مجموعه‌ای از تعاملات ارتباطی اطلاق می‌شود که همه اعضای یک رشته تخصصی یا گرایش تخصصی، آن را می‌دانند و در هم‌کنشی‌های ارتباطی تخصصی نوشتاری، مانند نگارش مقالات علمی و گفتاری، مانند سخنرانی‌های علمی خود، به‌کار می‌بندند" (سلمانی ندوشن، ۱۹۹۶، ص. ۴۵۶ به نقل از سویلز ۲۰۰۴/۱۹۹۰). به عبارت دیگر، هر سیاق کلام (ژانر) "به دسته‌ای از متون اطلاق می‌شود که اصول و آداب خاص مشترکی را هم از لحاظ محتوا (موضوع) و هم از لحاظ فرم (ساختار و سبک) دنبال می‌کنند" (چندلر^۶، ۱۹۹۷، ص. ۳). چندلر معتقد است وجه تمایز هر سیاق کلام (ژانر) از دیگری، بسامد نسبتا غالب برخی از ویژگی‌های محتوایی و ساختاری نسبت به ویژگی‌های دیگر است. هر ژانر، از تعدادی حرکت ساختاری منحصر به همان ژانر ساخته می‌شود که در واقع، کوچک‌ترین واحد نقشی یا ارتباطی آن ژانرند و همین حرکات ساختاریند که مبنای تجزیه و تحلیل آن ژانر را تشکیل می‌دهند. این حرکات ساختاری که خود از واحدهای کوچک‌تری به نام گام‌های ساختاری تشکیل می‌شوند، می‌توانند در ترکیب آن ژانر اجباری یا اختیاری باشند. به همین ترتیب، منظور از تحلیل ژانر نیز بررسی و تحلیل متون گفتاری و نوشتاری یا حتی الکترونیک به منظور استخراج و ارائه قوانین حاکم بر ساختار و مفهوم آن ژانرها در جهت تسریع فرایند خواندن یا نوشتن آن‌هاست (سویلز، ۱۹۹۰؛ هایلند^۷، ۱۹۹۶؛ سلمانی ندوشن، ۱۳۹۶). در این راستا، مقالات پژوهشی به‌عنوان یک ژانر علمی، همواره توجه تحلیلگران سیاق کلام را به‌خود

1- Hopkins and Dudley-Evans

2- Salager-Meyer

3- Ayers

4- Gee

5- Thompson

6- Chandler

7- Hyland

جلب کرده است. همانگونه که پیشتر گفته شد، بخش‌های مختلف مقالات پژوهشی نظیر چکیده، مقدمه، نتایج و بحث که هر کدام به‌نوبه خود یک زیر ژانر (سوژانر) را می‌سازند، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و مدل حرکات ساختاری آن‌ها استخراج و ارائه گردیده است. به‌لحاظ اهمیت و نقش کلیدی دو بخش مقدمه و بحث در مقالات علمی، پژوهش حاضر به‌بررسی ساختار این دو سوژانر در مقالات ابرمتنی می‌پردازد. در این تحلیل، مدل‌های ارائه شده توسط سوایلز (۲۰۰۴/۱۹۹۰) به‌جهت اینکه جامع و کامل‌اند و در مقالات پیشین نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند، انتخاب شد که به‌تفصیل در بخش‌های بعد بدان خواهیم پرداخت. اهمیت این تحلیل و در واقع، اهمیت این قبیل پژوهش‌ها در این است که اگر مدل ساختاری ژانرهای مختلف، بویژه ژانرهای علمی استخراج و ارائه شود، کارشناسان آن رشته با قوانین ساختاری، نقشی و مفهومی حاکم بر آن ژانر، آشنا شده و به‌راحتی می‌توانند در آن ژانر خاص به‌فعالیت بپردازند. هرچند تعداد پژوهش‌هایی از این دست که به‌زبان انگلیسی منتشر شده‌اند، بسیار قابل توجه است، ولی متأسفانه مقالات منتشر شده به‌زبان فارسی در این گسترش انگشت شمار است. همانگونه که سلمانی ندوشن (۱۳۹۶) نیز معتقد است "چنانچه ساختار ژانری انواع نگارش دانشگاهی و نتایج تحلیل آن‌ها به‌زبان فارسی منتشر شوند، متخصصان ایرانی می‌توانند این ساختار ژانری را در نگارش متون تخصصی فارسی خود نیز به‌کار گیرند تا آن‌را به‌استانداردهای زبان جهانی علم نزدیک کنند" (ص. ۴۵۵). با چنین انگیزه‌ای، پژوهش حاضر به‌استخراج حرکات و گام‌های ساختاری مقالات چاپ‌شده در محیط‌های ابرمتنی پرداخت تا ببیند آیا مقالات در این محیط نیز همان مدل ژانری را که سوایلز (۲۰۰۴/۱۹۹۰) برای مقالات چاپی ارائه نموده است، دنبال می‌کند یا مقتضیات محیط ابرمتنی نظیر هایپرلینک‌ها تغییر خاصی در این ساختار بوجود آورده است.

۲- پیشینه

همانگونه که در بخش پیش گفته شد، ژانر به‌مجموعه‌ای از متون نوشتاری یا گفتاری خاص اطلاق می‌شود که هدف ارتباطی مشترکی دارند و قوانین خاصی از لحاظ ساختار و محتوا بر آن‌ها حکمفرماست (سوایلز، ۱۹۹۰). هر ژانر از یک سری حرکات ساختاری، و این حرکات نیز به‌نوبه خود از گام‌های ساختاری تشکیل می‌شوند. "در واقع، ژانر به‌مثابه سکانسی از سوژانرها، حرکات ساختاری و گام‌های گفتمانی برای انتقال [معنا و هدف] در همه تعاملات ارتباطی بین اعضای هر رشته یا گرایش تخصصی استفاده می‌شود (سلمانی ندوشن، ۱۳۹۶،

ص. ۴۵۶). در تحقیقات پیشین، ژانرهای مختلف علمی یا قسمت‌های مختلف آن‌ها بعنوان سوژانر، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مدل‌های کاربردی از ساختار ژانری آن‌ها ارائه گردیده است. مثلاً بخش مقدمه مقالات توجه بسیاری از پژوهشگران گسترش تحلیل کلام را به‌خود جلب کرده است (سویلز، ۱۹۹۰؛ آنتونی، ۱۹۹۹؛ سمرج، ۲۰۰۲). سویلز معتقد است بخش مقدمه مقالات علمی از چند حرکت ساختاری تشکیل شده است: ۱- تعیین حوزه، ۲- مرتبط نمودن مقاله با گسترش علمی مورد نظر، ۳- بیان هدف مقاله (سویلز، ۱۹۹۰). پس از ارائه مدل معروف و پرکاربرد سویلز در سال ۱۹۹۰، محققین به‌بررسی مقالات رشته‌های مختلف علم بر پایه این مدل پرداخته‌اند و مطالعات مقایسه‌ای بسیاری نیز از لحاظ میزان پیروی مقالات رشته‌های مختلف از این مدل و در واقع، به‌منظور تصدیق مدل صورت گرفت. نوگو^۳ (۱۹۹۰) این مدل را برای تحلیل مقالات رشته پزشکی به‌کار برد. آنتونی (۱۹۹۰) برای تحلیل بخش مقدمه مقالات رشته‌های علوم کامپیوتر، لوین و دیگران^۴ (۲۰۰۱) برای مقالات رشته‌های علوم اجتماعی، و سمرج (۲۰۰۲) نیز به‌منظور تحلیل مقالات رشته زیست‌شناسی همین مدل را به‌کار برده و آن را تایید نمودند. در حالیکه همه این تحقیقات ساختار ژانری ارائه شده در مدل سویلز را تایید می‌نمودند، مختصر تنوع و اختیاراتی را نیز برای مقالات رشته خود از لحاظ حرکات ساختاری یا گام‌های کلامی و نیز بسامد و تکرار حرکات و گام‌ها قائل می‌شدند. مثلاً، آنتونی (۱۹۹۰) بیان داشت همه مقالات رشته کامپیوتر در عین حال که مدل ساختاری سویلز (۱۹۹۰) را دنبال می‌کردند، پیشینه وسیعتر، تعاریف و مثالهای بیشتری داشته و پژوهش را از لحاظ میزان کاربردی بودن نتایج و نوآوری ارزیابی می‌کردند. سمرج (۲۰۰۲) نیز پس از تحلیل مقالات علمی رشته زیست‌شناسی اذعان داشت که مقالات این رشته در چارچوب مدل سویلز، از انعطاف پذیری خاصی از لحاظ ترکیب و ترتیب حرکات ساختاری و گام‌های کلامی برخوردارند که همین امر منجر به تنوع بیشتر در گام‌های کلامی می‌شود. بر پایه همین مدل، امیریان و دیگران (۲۰۰۸) و امیریان و توکلی (۲۰۰۹) نیز با بررسی بخش مقدمه و بحث مقالات انگلیسی و فارسی مربوط به حوزه آموزش زبان، تفاوت‌هایی را در زمینه بسامد، ترتیب یا حتی هدف ارتباطی برخی از حرکات ساختاری و گام‌های مربوط

1- Anthony

2- Samraj

3- Nwogu

4- Lewin, et al

به آنها نشان دادند. این تفاوت‌ها می‌توانند ناشی از ناکافی بودن دانش پژوهشگران ایرانی از اصول ژانری مربوط به نگارش مقالات علمی باشد که همین مساله منجر به تفاوت در بسامد و ترتیب یا حتی حذف بعضی از حرکات و گام‌های ساختاری اجباری گردیده است. این یافته‌ها در واقع اشاره به اجباری بودن برخی از حرکات و گام‌های ساختاری و اختیاری بودن برخی دیگر در ساختار ژانرها دارد.

به همین ترتیب، بخش بحث مقالات پژوهشی نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. قدیمی‌ترین آثار در این زمینه مربوط به سوایلز (۱۹۸۱)، بلانگر^۱ (۱۹۸۲) و دودلی-ایوانز (۱۹۸۶) است. سوایلز (۱۹۹۰/۱۹۸۱) حرکات ساختاری زیر را در بررسی بخش بحث مقالات پژوهشی استخراج نمود: ۱- ارائه دانش و اطلاعات مرتبط با موضوع، ۲- بیان نتایج، ۳- نتایج مورد انتظار/دور از انتظار، ۴- ارجاع به پژوهش‌های قبلی در این زمینه جهت تایید پژوهش حاضر یا به منظور مقایسه و بیان دلیل عدم تطبیق نتایج حاضر با نتایج قبلی، ۵- توضیح و تفسیر، ۶- آوردن مثال، ۷- استنتاج و نتیجه‌گیری، ۸- پیشنهاد برای تحقیقات بعدی. در واقع، حرکات ساختاری بخش بحث مقالات، مسیری مخالف مسیر حرکات ساختاری بخش مقدمه را دنبال می‌کنند (دودلی-ایوانز، ۱۹۸۶). تحقیقاتی که پس از سوایلز بر روی این سوژانر صورت گرفت باز هم تنوع و انعطاف حرکات و گام‌های ساختاری مقالات رشته‌های مختلف را در چارچوب مدل ژانری سوایلز تایید نمود. به‌طور مثال، بیریا و تحریریان (۱۹۹۵)، پس از تحلیل قسمت بحث مقالات رشته جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، اذعان داشتند که حرکات ساختاری به‌حالت چرخه‌ای ممکن است چندین بار تکرار شوند که خود این حالت نیز الگوی سازمان یافته متن را تایید می‌نماید. هولمز (۱۹۹۷) نیز در یک تحقیق مقایسه‌ای بین مقالات رشته‌های تاریخ، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به تفاوت‌های بین این سه دسته از مقالات از لحاظ ساختار ژانری پرداخت. نتایج نشان داد قسمت بحث مقالات رشته تاریخ کاملاً متفاوت بود و تقریباً در چارچوب مدل ژانر نمی‌گنجید. او بیان نمود این تفاوت چشمگیر می‌تواند به دلیل ماهیت گزارشی مقالات رشته تاریخ و نیز الزاماتی باشد که مجلات برای چاپ مقاله بر نویسنده تحمیل می‌کنند.

آنچه تا اینجا مطرح شد نشان می‌دهد همه متون (گفتاری، شنیداری و الکترونیک)، الگوی ژانری خاصی را دنبال می‌کنند. نکته در اینجاست که امروزه، با پیشرفت‌های روزافزون در

تکنولوژی، همه ژانرها تمایل به ظهور در بافت الکترونیکی دارند. در واقع، شبکه اینترنت بستر مناسبی را برای دسترسی آسان و سریع به انواع اطلاعات و متون فراهم آورده است و این دسترسی از نظر سرعت و فراگیر بودن بویژه در زمینه تبادل اطلاعات علمی و نشر یافته‌های پژوهشی بسیار حائز اهمیت است. در همین راستا، کروستون و ویلیامز^۱ (۱۹۹۸، ص. ۲-۳) معتقدند در عصر کنونی ارتباطات دیجیتال، "شبکه اینترنت محل مناسبی برای مطالعه و بررسی رشد سیاق‌های کلام است چون بسیاری از سیاق‌های کلام وابسته به وب هستند و در محیط‌های اینترنتی شکل می‌گیرند". کروستون و ویلیامز از طریق نمونه برداری و طبقه بندی ۱۰۰۰ صفحه وب که به طور تصادفی انتخاب شده و اهداف متفاوتی را دنبال می‌کردند، لیستی از سیاق‌های کلامی را که در محیط اینترنت ارائه می‌شدند، فراهم کردند. در این طبقه بندی، آنان ۴۸ نوع از این سیاق‌های کلام را در گروه سیاق‌های بازسازی شده قرار دادند (سیاق‌هایی نظیر "سوالهایی که اغلب می‌پرسند"، "نوشتن صورتجلسات" و "معرفی دوره‌های آموزشی"). آنان همچنین دریافتند برخی از ژانرهای شناسایی شده در محیط وب شباهت زیادی به همان سیاق‌های کلام در محیط‌های سنتی (چاپی) داشتند. شفرز و واترز (۱۹۹۸) واژه‌ی "ژانرهای سایبری"^۲ را برای توصیف سیاق‌هایی که از طریق رسانه اینترنت ارائه می‌شدند، به کار بردند و سیاق‌های سایبری را به طور کلی به دو گروه "موجود" و "جدید" طبقه بندی کردند. گروه اول شامل ژانرهایی بود که قبلاً در سایر رسانه‌ها وجود داشته و اکنون بدون بهره‌گیری از قابلیت‌های رسانه جدید (اینترنت)، تنها به این رسانه مهاجرت کرده بودند مثل فرهنگ‌های لغت و روزنامه‌ها. حال آنکه، گروه دوم شامل ژانرهای جدیدی بود که ماهیت وجودی آن‌ها کاملاً وابسته به قابلیت‌های رسانه اینترنت بوده و نمی‌توانند در محیطی غیر از این ظاهر شوند (نظیر صفحات خانگی یا بلاگها).

وجود لینکها ویژگی شاخص متون ابرمتنی است. همه ریچ و هریسون^۳ (۲۰۰۲) با مطالعه ماهیت ارتباطات معنایی و اصول معنایی و سبکی هر لینک توانستند آن‌ها را طبقه بندی کنند. به دنبال این دو محقق، پوچ مولر و پوبلا^۴ (۲۰۰۸) نیز ارزش ساختاری و اطلاعاتی لینکها را در مقالات رشته روانشناسی و زمین شناسی بررسی نمودند. آنان با بررسی ماهیت لینکها دریافتند

-
- 1- Crowston and Williams
 - 2- cyberggenres
 - 3- Hammerich and Harrison
 - 4- Puchmüller and Puebla

شیوه ای که با استفاده از آن طراحان وب متون ابرمتنی را به یکدیگر وصل می‌کنند، از سیاقی به سیاق دیگر به‌طور چشمگیری متفاوت است. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که طراحان وب فقط سعی می‌کنند اسناد اینترنتی را به یکدیگر متصل کنند بدون اینکه ساختار درونی متن یا آداب و قواعد هر ژانر را در نظر بگیرند.

نکته‌ای که در پژوهش حاضر مد نظر است، مساله پویایی ژانر است. به‌منظور بسط تعریف سیاق کلام (ژانر)، برکنکوتر و هوکین^۱ (۱۹۹۵) پنج ویژگی پویایی، قرار داشتن در بافت خاص، صورت و محتوا، دو طرفه یا متقابل بودن ساختار و تعلق به‌گروه اجتماعی خاص را به‌عنوان ویژگی‌های اصلی هر ژانر معرفی کردند. از نقطه نظر پویایی، سیاق‌های کلام در گذر زمان مطابق با نیازهای اجتماعی-شناختی در تغییر هستند و لذا باید بتوانند خود را با تغییرات ایجادشده در فعالیت‌های ارتباطی گروه‌های اجتماعی خاص وفق دهند. از این دیدگاه، پویایی و تغییر یکی از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر هر ژانر است. بعبارت دیگر، هر ژانر برای ماندگاری و دوام باید بتواند خود را با الزامات اجتماعی-شناختی جدید گروه اجتماعی خود وفق دهد و این امر نیازمند تغییر و انعطاف‌پذیری است. طبق گفته‌ی کواسنیک و کروسون^۲ (۲۰۰۵)، "سیاق‌های کلام در خلا بوجود نمی‌آیند بلکه در محیطی اجتماعی واقع شده‌اند و در ارتباط نزدیک و وابستگی با سایر سیاق‌هایی هستند که توسط گروه اجتماعی آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند" (ص ۱۱) و لذا ناخودآگاه، تحت تاثیر تغییرات اجتماعی-شناختی قرار می‌گیرند.

با در نظر گرفتن مفهوم پویایی ژانر، پژوهش حاضر بر آن است که ببیند چگونه مقالات پژوهشی که در محیط‌های ابرمتنی ظاهر می‌شوند، بعنوان یک نمونه از سیاق‌های کلام علمی، خود را با الزامات فناوری وابسته به اینترنت وفق داده‌اند. به‌دلیل اینکه یافته‌های پژوهش‌های پیشین گواه بر مناسب بودن رویکرد وابسته به سیاق کلام برای آموزش خواندن و نوشتن متون ابرمتنی است، این پژوهش نیز با بهره‌گیری از مدل تحلیل سیاق کلام سوابلز (۲۰۰۴/۱۹۹۰)، بر آن بود که ساختار ژانری قسمت مقدمه و بحث مقالات پژوهشی رشته‌ی زبان‌شناسی کاربردی را که در محیط ابرمتنی منتشر شده‌اند از لحاظ حرکات ساختاری و هایپرلینک‌ها مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش به‌طور خاص، جهت پاسخگویی به‌سوالات ذیل طراحی گردید:

1- Berkenkotter and Huckin

2- Kwasnik and Crowston

(۱) تا چه میزان ساختار ژانری بخش‌های مقدمه و بحث مقالات علمی رشته‌ی زبانشناسی کاربردی که در محیط ابرمتن منتشر شده اند، مدل‌های پیشنهاد شده توسط سواپلز (۲۰۰۴/۱۹۹۰) را دنبال می‌کنند؟

(۲) آیا تقسیم مقالات ابرمتنی در محل هایپرلینکها هیچ گونه رابطه مکانی یا مفهومی با حرکات ساختاری این دو بخش داشته است؟

۳- روش پژوهش

۱-۳ مجموعه مقالات بررسی شده

به منظور پاسخگویی به سوال اول این تحقیق، ابتدا ۳۰ مقاله به‌طور تصادفی از میان مقالات چاپ شده در مجلات بین المللی رشته‌ی زبانشناسی کاربردی که مقالات خود را در محیط ابرمتنی منتشر می‌کنند مانند مجله یادگیری زبان و فناوری^۱ و یا مقالات ابرمتنی مربوط به این رشته که به‌صورت آزاد توسط نویسندگان به‌اشتراک گذاشته شده بود، در فاصله سالهای ۲۰۱۴-۲۰۱۸ انتخاب شدند. هدف از این بررسی این بود که ببینیم آیا مقالات ابرمتنی از لحاظ ساختار ژانری، همان مدل‌های ارائه شده توسط سواپلز را در بخش مقدمه و بحث دنبال می‌کنند یا اینکه ساختار ژانری اینگونه مقالات به‌نحوی تحت تاثیر قابلیت‌های ارائه شده توسط اینترنت (در جهت تسهیل ارتباط با خوانندگان، تسهیل فرآیند خواندن یا نگارش مقالات، یا دسترسی گسترده تر به منابع و مآخذ مرتبط جهت افزایش دانش و اطلاعات خوانندگان) قرار گرفته است. در همه این مقالات، قسمت‌هایی از متن از طریق هایپرلینک به سایر منابع متصل بودند. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، هدف از این بررسی این بود که ببینیم آیا هایپرلینکها از لحاظ کلامی و ساختاری با حرکت‌های ساختاری (مدل سواپلز) تطابق دارند و یا هیچ گونه تطابق مکانی یا کلامی بین حرکت‌های ساختاری و هایپرلینکها وجود ندارد.

دلیل انتخاب دو قسمت مقدمه و بحث مقالات نیز اولاً، اهمیت این دو بخش در ساختار کلی مقالات و ثانیاً، دشواری نسبی نگارش این بخش برای پژوهشگران است که به‌همین دلایل بررسی این دو بخش قبلاً نیز مورد توجه بسیاری از محققین (دودلی-ایوانز، ۱۹۸۶؛ هوپکینز و دودلی ایوانز، ۱۹۹۸؛ سواپلز، ۱۹۹۰؛ امیریان و دیگران، ۲۰۰۸؛ امیریان و توکلی، ۲۰۰۹) قرار گرفته است. نوآوری این پژوهش نیز در بررسی این دو بخش از مقالات در محیط ابرمتنی است.

۳-۲- مدل‌های تجزیه و تحلیل

در این پژوهش، برای بررسی قسمت مقدمه مقالات مدل CARS (سوایلز ۱۹۹۰/۲۰۰۴) مورد استفاده قرار گرفت. همانگونه که قبلاً ذکر گردید، سوایلز (۱۹۹۰) معتقد است بخش مقدمه مقالات علمی از چند حرکت ساختاری تشکیل شده است: ۱- تعیین حوزه، ۲- مرتبط نمودن مقاله با گسترش علمی مورد نظر، ۳- بیان هدف مقاله. البته، این مدل بعدها توسط سوایلز (۲۰۰۴) بسط داده شد و با جزئیات بیشتری ارائه گردید. نمودار شماره ۱، مدل ساختار ژانری بخش مقدمه را به تفصیل نمایش می‌دهد:

حرکت شماره ۱. تعیین گسترش (نقل قول اجباری است)
از طریق: حرکت از کلیت موضوع به سمت جزئیات بیشتر
حرکت شماره ۲. مرتبط نمودن مقاله با گسترش علمی مورد نظر (نقل قول اختیاری است)
از طریق: بیان جزئیات بیشتر و مفصل تر در رابطه با موضوع
گام ۱. اشاره به خلا موجود در پژوهش‌های پیشین
گام ۲. افزودن به دانش قبلی
گام ۳. ارائه توجیه در جهت تأیید اهمیت و لزوم تحقیق حاضر
حرکت شماره ۳. معرفی پژوهش حاضر (نقل قول اختیاری است)
از طریق:

گام ۱. (اجباری) توصیف مفصل تحقیق حاضر
گام ۲. (اختیاری) بیان سوالات تحقیق یا فرضیه‌ها
گام ۳. (اختیاری) تعریف مفاهیم برای شفافیت بیشتر
گام ۴. (اختیاری) خلاصه‌ای از روش کار
گام ۵. (تنها در برخی از رشته‌ها) اعلام یافته‌های اصلی تحقیق
گام ۶. (تنها در برخی از رشته‌ها) بیان ارزش تحقیق
گام ۷. (تنها در برخی از رشته‌ها) بیان طرح کلی ساختار تحقیق

نمودار شماره ۱ مدل ساختار ژانری بخش مقدمه (سوایلز، ۲۰۰۴)

برای تجزیه و تحلیل بخش بحث مقالات، مدل سوايلز (۱۹۹۰) نیز؛ به دلیل ماهیت جامع و کامل آن و همچنین به دلیل همخوانی مدل با مقالات رشته زبانشناسی کاربردی انتخاب شد (نمودار شماره ۲):

- حرکت شماره ۱. ارائه دانش و اطلاعات مرتبط با موضوع
- حرکت شماره ۲. بیان نتایج
- حرکت شماره ۳. نتایج مورد انتظار/ دور از انتظار
- حرکت شماره ۴. ارجاع به پژوهش‌های قبلی در این زمینه، برای تایید پژوهش حاضر، یا به منظور مقایسه و بیان دلیل عدم تطبیق نتایج حاضر با نتایج قبلی
- حرکت شماره ۵. توضیح و تفسیر
- حرکت شماره ۶. آوردن مثال
- حرکت شماره ۷. استنتاج و نتیجه‌گیری
- حرکت شماره ۸. پیشنهاد برای پژوهش‌های بعدی

نمودار شماره ۲ مدل ساختار ژانری بخش بحث (سوايلز، ۱۹۹۰)

۳-۳ تحلیل و بررسی مقالات

با استفاده از این دو مدل، ابتدا حرکت‌های ساختاری دو بخش مقدمه و بحث مقالات به دقت شناسایی شدند. نمونه‌ای از تحلیل مقدمه در مثال شماره ۱ ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مثال شماره ۱. نمونه‌هایی از حرکت‌های ساختاری و گام‌های بخش مقدمه (منبع: لم و دیگران^۱، ۲۰۱۷)

مثال	حرکت‌های ساختاری/گام‌های مربوط
The ability to make a good argument is imperative in today's society. Kuhn (1991) considered argumentation to be a thinking skill essential to idea formulation, problem-solving, and good judgment.	تعیین حوزه
However, compared to other topics in education (e.g., science education), few empirical studies have focused specifically on training students to write argumentative text (Lukomskaya, 2015; Nussbaum & Schraw, 2007).	اشاره به‌خلاف وجود در پژوهش‌های پیشین
	افزودن به‌دانش قبلی
However, research findings has shown mixed results. Several studies showed that direct instruction improved argumentative writing (e.g., Nussbaum & Schraw, 2007; Sanders, Wiseman, & Gass, 1994). Others suggested no effect (e.g., Knudson, 1994; Reznitskaya, Anderson, & Kuo, 2007).	ارائه توجیه در جهت تایید اهمیت و لزوم پژوهش حاضر
The main purpose of this study was therefore to develop a relatively simple blended learning intervention that could improve the argumentative writing of secondary school students following the English as a Second Language (ESL) stream. We then tested the effectiveness of this model using a quasiexperimental design on Secondary 4 (10th grade) students (16- to 17-year-olds). We also added an expanded intervention, gamification, in one of the experimental groups in order to determine if the use of digital game mechanics could increase students' online contribution and further improve their argumentative writing.	توصیف مفصل تحقیق حاضر
The present study was guided by the following specific questions	بیان سوال‌های پژوهش یا فرضیه‌ها

مثال شماره ۲، نمونه‌ای از تحلیل حرکات ساختاری بخش بحث مقالات را نشان می‌دهد:

مثال شماره ۲. نمونه‌ای از حرکات ساختاری و گام‌های بخش بحث (منبع: کوتوز، لینک و هافمن^۱، ۲۰۱۷)

مثال	حرکات ساختاری
The first strand of our inquiry centered on RWT-enabled DDL activities as a means of enhancing the awareness needed for the learning of genre constructs. Two learning events were created through DDL tasks: rhetorical composition analysis and language use analysis. Student output produced in response to these tasks was examined in terms of noticing of rhetorical patterns and ability to identify linguistic signals indicative of rhetorical intent.	ارائه دانش و اطلاعات مرتبط با موضوع
The Mann-Whitney U tests showed no statistically significant difference in move or step occurrences between Group 1 (Mdn = 10.5) and Group 2 (Mdn = 4), $U = 163.5$, $p = .321$, $r = .16$.	بیان نتایج
However, there was a significant difference with a low effect size between NNSs (Mdn = 10.5) and NSs (Mdn = 3), $U = 127.5$, $p = .049$, $r = .31$. Furthermore, there was no statistical difference between the first drafts of NSs and NNSs, indicating that they did not start off differently. These results suggest that the DDL learning events did not impact the students in the two groups differently, but did seem to impact NNSs more than NSs.	نتایج مورد انتظار/ دور از انتظار
These results are in line with writing improvement found by Tribble and Wingate (2013) and Bianchi and Pazzaglia (2007).	ارجاع به پژوهش‌های قبلی در این زمینه جهت تایید پژوهش حاضر یا به منظور مقایسه و بیان دلیل عدم تطبیق نتایج حاضر با نتایج قبلی

1- Cotos, Link and Huffman

<p>One possible explanation could be that we only had 6 NSs for this comparison in the sample versus 16 NNSs. It may also be that explicit instruction and compiling language resources for writing in the genre motivated the NNSs as language learners to exercise different rhetorical strategies in order to practice using various linguistic means.</p>	<p>توضیح و تفسیر</p>
<p>The students made text modifications in content, lexis, grammar, structure, and mechanics (italicized in the examples given in Table 4), which is similar to Cotos (2014b) where students used the prototype of RWT's Analyze my writing module.</p>	<p>آوردن مثال</p>
<p>Overall, based on first-last draft differences, we can claim that students' interaction with RWT during DDL learning events enhanced the quality of their genre writing. Importantly, evidence from learners' noticing of compositional and linguistic patterns and the transfer of students' corpus observations to their own writing reinforces our assumption that DDL can contribute to genre learning across student groups and language backgrounds.</p>	<p>استنتاج و نتیجه‌گیری</p>
<p>With our adoption of combined theoretical views and techniques that attend to the spectrum of constructs of genre knowledge, we hope to lay the ground for a DDL-substantiated conceptual framework that could guide genre-writing pedagogy and empirical inquiry.</p>	<p>پیشنهاد برای پژوهش‌های بعدی</p>

در مرحله بعد، مکان هایپرلینک‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در اینجا نمونه‌ای از هایپرلینک به سایر بخش‌ها در همان مقاله ارائه می‌گردد. این بخش‌ها عموماً جدول‌ها و نمودارها و نیز فهرست ضمیمه مقاله را شامل می‌شد:

مثال شماره ۳ هایپرلینک به سایر بخش‌ها در همان مقاله، منبع: (بیکوسکی و کیسال^۱، ۲۰۱۸، ص. ۱۲۳)

از طریق پرسشنامه میزان هم‌کنشی شرکت‌کنندگان با کتاب‌های دیجیتال مورد بررسی قرار گرفت (پرسشنامه طراحی شده توسط هندلزن و دیگران، ۲۰۰۵) (به جدول شماره ۱ مراجعه شود).

همانگونه که مثال شماره ۳ نشان می‌دهد، هایپرلینک‌های این مقاله انطباق خاصی با حرکات ساختاری متن ندارند، بلکه در واقع بخش‌های مختلف مقاله به صورت هایپرلینک آورده شده که خواننده با کلیک روی هایپرلینک، به آن بخش خاص برده می‌شود. در بخش زیر، بخشی از یک مقاله دیگر آورده شده که لینک به سایر منابع یا سایر مقالات را نشان می‌دهد:

مثال شماره ۴ هایپرلینک به مقالات و منابع دیگر

منبع: (چندلر، ۱۹۹۷، به روز شده در تاریخ ۲۰۱۶/۰۳/۰۷، ص. ۵)

عملکردهای روانشناختی ژانر مرتبط با مقوله‌هایی نظیر طبقه‌بندی متون است که منجر به کاهش پیچیدگی متون می‌شود. چارچوب‌های ژانری ممکن است مربوط به فرم یا ساختار باشند (قوانین ساختاری حاکم بر ژانر) و یا مربوط به محتوا باشند. نظریه‌های ژانر در ارتباط مستقیم با نظریه‌های چارچوب زمینه‌ای ذهن در روانشناسی‌اند که در واقع نوعی طرح ذهنی است که ما از مفاهیم و ایده‌های مختلف و یا از تجارب قبلی در ذهن خود داریم).

همانطور که مثال فوق نشان می‌دهد، هایپرلینک به سایر سایتها، سایر منابع و سایر متون و مقالات انجام می‌شود. در مجموعه مقالاتی که مورد بررسی قرار گرفت، شماری از هایپرلینکها شناسایی گردید که در جدول شماره ۱ نشان داده شده‌اند:

جدول شماره ۱ انواع هایپر لینک به سایر مقالات یا سایت ها

بسامد	نوع هایپرلینک
۳۸۴	لینک به سایر نویسندگان و افراد
۱۵۸	لینک به سایر مجلات و کتب
۳۴۱	لینک به تعریف‌های ارائه شده از مفاهیم کلیدی، نظریه‌ها، اشخاص، دانشگاه‌ها

قسمت ۳-۳ به گزارش بررسی و تحلیل دو بخش مقدمه و بحث مقالات در محیط ابرمتنی پرداخت. بخش ۴ به تفصیل، یافته‌های این پژوهش را به بحث می‌گذارد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، شناسایی حرکات ساختاری مقالات ابرمتنی و هایپرلینک‌های آن بود تا ببینیم آیا انطباق کلامی یا ساختاری بین حرکات ساختاری و هایپرلینک‌های این مقالات وجود دارد یا خیر. نتایج نشان داد که انطباق مکانی یا کلامی خاصی بین حرکات ساختاری این دو بخش از مقالات و هایپرلینک‌های آن‌ها وجود نداشت. نگاهی نزدیک‌تر به لینک‌هایی که در مقالات به سایر قسمت‌های همان مقاله وجود داشت، نشان می‌دهد که عموماً تقسیم‌بندی متون برای ایجاد هایپرلینک، در محل تیرهای اصلی هر مقاله انجام می‌شود. به عبارت دیگر، در ابتدای هر مقاله ابرمتنی، فهرستی از تیرهای اصلی آن مقاله، درست مثل فهرست محتوایی مقاله آورده شده است. اگر روی هر عنوان (لینک) کلیک کنیم؛ به همان عنوان در داخل متن متصل می‌شویم. در برخی از مقالات، این لینک‌ها خواننده را تنها به عناوین یا تیرهای اصلی متن متصل می‌کند و در برخی دیگر، حتی به زیر بخش‌ها و قسمت‌های فرعی نیز لینک شده است. البته این ویژگی تمام متون غیرخطی است.

گروه دیگر لینک‌هایی‌ند که خواننده را به متون دیگر یا سایت‌های دیگر متصل می‌سازند. این گونه لینک‌ها در صرفه‌جویی زمان به خوانندگان کمک می‌کنند که این نیز ویژگی دیگر متون غیر خطی است که بدون صرف وقت برای جستجو، خواننده را به مطالب مرتبط مد نظر متصل سازد. در واقع، در متون غیر خطی، الزامی برای خواندن متن از بالا به پایین وجود ندارد. در مجموع، نتایج بررسی نشان داد که مقالات ابرمتنی، تقریباً از همان مدلی که سوابلر برای بخش مقدمه و بحث مقالات چاپی ارائه داده است، پیروی می‌کنند. به عبارت دیگر، ساختار

ژانری مقالات ابرمتنی در بخش مقدمه و بحث از مدل‌های ارائه شده توسط سوایلز تبعیت می‌کند. این یافته با گفته شفرد و واترز (۱۹۹۸) همخوانی دارد که معتقد بودند "زمانی که یک ژانر موجود به محیط‌های اینترنتی مهاجرت می‌کند، در ابتدا فقط نسخه‌برداری یا هم‌تاسازی شده و همه ویژگی‌های قبلی خود را حفظ می‌کند و بدون بهره‌بری از قابلیت‌های جدید، محتوا و صورت خود را نگه می‌دارد" (ص. ۲). به نظر می‌رسد این ژانر سایبری نیز که پژوهش حاضر به بررسی آن پرداخت، هنوز قوانین و قواعد متون چاپی را دنبال می‌کند و از قابلیت‌های ارائه شده توسط رسانه اینترنت، بهره شایانی نبرده است. ولیکن، نکته‌ای نیز در اینجا حائز اهمیت است: "پویایی ژانرهای الکترونیکی لزوماً بدان معنی نیست که باید تفاوت معنی‌داری در حرکات ساختاری بین ژانرهای سایبری و هم‌تاهای چاپی آن‌ها وجود داشته باشد" (بولتر، ۲۰۰۱، ص. ۴۵). بلکه منظور از پویایی، به خدمت گرفتن قابلیت‌های رسانه جدید در برای دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر به اهداف ارتباطی و کلامی آن ژانر است.

در همین راستا، پژوهشگر حاضر با تجربه‌ای که در زمینه مطالعات ژانری مقالات پژوهشی دارد (امیریان و دیگران، ۲۰۰۸؛ امیریان و توکلی، ۲۰۰۹)، بر این باور است که می‌توان از قابلیت‌های محیط ابرمتنی برای آموزش ساختار کلامی ژانرهای مختلف از جمله مقالات علمی استفاده کرد. به عبارت دیگر، تقسیم متن توسط هایپرلینک‌ها را می‌توان در محل‌هایی طراحی و پیش بینی کرد که با حرکات و گام‌های ساختاری مقاله نیز منطبق باشند. این دستکاری آموزشی را می‌توان در خدمت آموزش شیوه نگارش ساختار ژانری مقالات علمی به کار گرفت که در واقع تلفیقی از فناوری وابسته به اینترنت و رویکرد ژانری به آموزش نوشتن است.

افزون بر این، بررسی هایپرلینک‌ها به سایر مقالات یا سایر نویسندگان نشان داد که از طریق این لینک‌ها خواننده به اطلاعات وسیع تری در زمینه موضوع مورد بحث دسترسی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، در حالیکه در مقالات چاپی نویسنده تنها با آوردن مثال، تعریف و نقل قول، موضوع مد نظر را شرح و بسط می‌دهد، در مقالات ابرمتنی، خواننده با کلیک روی هایپرلینک مربوطه، به گستره وسیعی از اطلاعات و دانش مربوط متصل می‌شود و همین امر به درک بهتر و عمیق‌تر متن کمک می‌کند. این مساله همان غیر خطی یا غیر ترتیبی بودن متون ابرمتنی است که در پژوهش‌های پیشین بدان اشاره شده است. فیمنن (۱۹۹۹) معتقد است در فرایند خواندن متون ابرمتنی، خواننده به‌طور پیوسته در حال خواندن و گشت و گذار در متون و سایت‌های

مختلف است. در این گشت و گذار، خواننده به‌طور فعال فرایند خواندن و درک مطلب را با رفتن از سایتی به‌سایت دیگر جهت دهی می‌کند. در همین راستا، اسکھیو و نیلسن (۲۰۰۵) نیز معتقدند مدل سنتی تحلیل ژانر باید مبسوط گردد تا بتواند پاسخگوی الزامات رسانه جدید باشد. آن‌ها معتقدند: "خواندن در رسانه اینترنت کاملاً هم‌کنش است و خواننده برای درک بهتر مطالب، فعالانه از سایتی به‌سایت دیگر در گشت و گذار است" (ص. ۱۳۰).

۵- دستاوردها، محدودیت‌ها و پیشنهادهای این پژوهش

رویکرد ژانر-محور از دهه ۸۰ تاکنون مورد توجه خاص پژوهشگران گسترش تحلیل کلام بوده است (سویلز ۱۹۸۶/۱۹۹۰؛ باتیا، ۱۹۹۳/۲۰۰۴). هدف این رویکرد، بهبود مهارت خواندن و بویژه نوشتن از طریق افزایش آگاهی فراگیران زبان از ساختارهای کلامی ژانرهای مختلف و ارائه مدل ساختاری حرکات ساختاری و گام‌های کلامی آن‌ها بوده است. باتیا (۱۹۹۳) بر این باور بود که "هدف از یادگیری تنها کسب مهارت در خواندن و نوشتن نیست، بلکه هدف این است که فراگیر با قوانین حاکم بر هر ژانر آشنا شود" (ص. ۱۵۶). پیروان این رویکرد نیز همواره به‌دنبال تحلیل ژانرهای مختلف و ارائه مدل ساختار سیاقی آن‌ها بوده‌اند (سویلز، ۱۹۹۰؛ باتیا، ۱۹۹۳) چرا که معتقدند مدل ساختاری، الگویی برای خوانندگان و نویسندگان فراهم می‌کند، تا با استفاده از آن، به‌طور سریع‌تر و موثرتری به‌اهداف کلامی آن ژانر دست پیداکنند. به‌همین ترتیب، مدرسان زبان انگلیسی نیز می‌توانند برای آموزش اصول نگارش مقالات علمی از مدل‌های ساختاری آن استفاده کنند. البته تلفیق این رویکرد با فناوری می‌تواند موثرتر و نیز ترغیب‌کننده باشد. از طریق دستکاری هایپرلینک‌های مقالات ابرمتنی و انطباق آن‌ها با حرکات ساختاری و گام‌های کلامی می‌توان مدل ساختاری را به‌شکلی نو در اختیار فراگیران قرار داد. تلفیق رویکرد ژانر-محور با فناوری ابرمتن در آموزش ژانرهای دیگر مثل انواع نامه‌ها نیز میسر به‌نظر می‌رسد (الافنان، ۲۰۱۷).

خلاصه اینکه، هرچند می‌توانیم از مدل‌های ژانری سنتی در تحلیل ژانرهای سایبری نوظهور استفاده کنیم، ولی نقش فناوری وب و الزامات و نیز قابلیت‌های آن را نمی‌توانیم نادیده بگیریم. اینگونه قابلیت‌ها می‌باید به‌نحوی در تعریف ساختار و قوانین حاکم بر هر ژانر گنجانده شود. در این راستا، لمکه (۲۰۰۳) معتقد است:

امروزه بسیاری از ژانرها چند رسانه‌ایند و استخراج معنی در آن‌ها از طریق تلفیق زبان با سایر رسانه‌ها صورت می‌پذیرد. در واقع، امروزه افراد راحت و سریع از محدوده و مرز بین ژانرها عبور می‌کنند (مثلا با تغییر کانال‌های تلویزیون از یک برنامه به برنامه دیگر و یا از طریق اینترنت از سایتی به سایت دیگر می‌روند، یا با داشتن چند شغل از فعالیت‌های مربوط به یک شغل، به شغل دیگر در گذرند). پیامد این امر این است که معنا از پس این گشت و گذارها و عبور از مرزهای ژانرهای مختلف، پدیدار می‌شود" (ص. ۵).

آنچه حائز اهمیت آموزشی است، این است که معلمان و فراگیران زبان انگلیسی، به‌عنوان اعضای جامعه کلامی علمی باید با ژانرهای علمی نوظهور و نیز با الزامات و قابلیت‌های وابسته به‌وب آشنا شوند.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که پژوهش حاضر تنها به بررسی مقالات ابرمتنی گسترش آموزش زبان انگلیسی پرداخته است. پژوهش‌های دیگر می‌توانند به بررسی تنوع و تعداد هایپرلینک‌ها و ماهیت ساختاری لینک‌ها در مقالات سایر رشته‌ها بپردازند.

۶- منابع

سلمانی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۹۶). بررسی ساختار ژانری مقالات دانشنامه‌نگی تخصصی: مقایسه مقالات زندگینامه‌ای و مقالات موضوعی. پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۷، شماره ۲، ۴۵۳-۴۶۹.

AlAfnan, M. A. (2017). Critical Perspective to Genre Analysis: Intertextuality and Interdiscursivity in Electronic Mail Communication. *Advances in Journalism and Communication*, 5, 23-49.

Alfonso, L. V., Marco, J. L. and Madrid, N. R. (2008). Understanding digital genres as semiotic artifacts: Meaning and cognition beyond standardized genres. *Computers and Composition Online: Theory into Practice*. Spring issue, 1-18.

Altun, A. (2003). Understanding hypertext in the context of reading on the web: Language learners' experience. *Current Issues in Education*, 6 (5). Available online at: <http://cie.ed.asu.edu/volume6/number9/>. Retrieved at: 2003/03/09.

Amirian, Z., Kassaian, Z., and Tavakoli, M. (2008). Genre Analysis: An Investigation of the Discussion Sections of Applied Linguistics Research Articles. *Asian ESP Journal*, 4 (1). 39-63.

- Amirian, Z. and Tavakoli, M. (2009). A Contrastive Intercultural Analysis of the English and Persian Research Articles (The Case of the Discussion Sections). *Iranian EFL Journal*, 4, 34-168.
- Anthony, L. (1999). Writing research article introductions in software engineering: how accurate is a standard model? *IEEE Transactions on Professional Communication*, 42, 1, 38-46.
- Askehave, I. and Nielsen, A. E. (2005). Digital genres: a challenge to traditional genre theory. *Information Technology and People*, 18 (2), 120 – 141.
- Ayers, G. E. M. (1993). *A preliminary investigation of abstracts through a genre analysis of the short texts accompanying articles and letters in the scientific journal "Nature"*. The University of Birmingham, Unpublished M.A. dissertation.
- Beeman, W.O., Anderson, K.T., Bader, G., Larkin, J., McClard, A.P., McQuilian, P. and Shields, M. (1987) Hypertext and pluralism: from lineal to non-lineal thinking. *Proceedings of Hypertext '87*. University of North Carolina, Chapel Hill. 67-88.
- Belanger, M. (1982). A preliminary analysis of the structure of the discussion sections in ten Neuroscience journal articles. In J. Swales, *Genre analysis: English in academic and research setting*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Berkenkotter, C. and Huckin, T. (1995). *Genre Knowledge in Disciplinary Communication: Cognition/Culture/Power*. Erlbaum, Hillsdale: NJ.
- Bhatia, V. J. (1993). *Analyzing Genre: Language Use in Professional Setting*. London: Longman.
- Bhatia, V. J. (1997). Genre- mixing in academic introductions. *English for Specific Purposes*, 16, 181-195.
- Bhatia, V. J. (2004). *Worlds of written discourse: A genre-based view*. London: Continuum.
- Bikowski, D., & Casal, J. E. (2018). Interactive digital textbooks and engagement: A learning strategies framework. *Language Learning & Technology*, 22 (1), 119–136.
- Bolter, J. D. (2001). *Writing Space: Computers, Hypertext, and the Remediation of Print*. Second Edition. Mahwah, NJ:Lawrence Erlbaum.
- Chandler, D. (1997). An introduction to genre theory. Available on-line at: <http://www.aber.ac.uk/media/documents/intgenre.html>. Last modified: 07/03/2014.
- Charney, D. (1994). The effect of hypertext on processes of reading and writing. In C. L. Selfe and S. Hilligoss (editors), *Literacy and Computers: The Complications of Teaching and Learning with Technology* (ISBN 0-873-52580-9), chapter 10 (pages 238 – 263). The Modern Language Association of America, New York, NY, 1994. Available at: http://www.cwrl.utexas.edu/~charney/Charney_hypertext.pdf. Retrieved at: 2016/09/03.

- Cotos, E., Link, S., & Huffman, S. (2017). Effects of technology on genre learning. *Language Learning & Technology*, 21(3), 104–130.
- Coulthard, M. (1994). *Advances in written text analysis*. London & New York: Routledge.
- Crowston, K. & Williams, M. (1998). Reproduced and emergent genres of communication on the World-Wide Web. *Proceedings of the Thirtieth Annual Hawaii International Conference on System Sciences (HICSS '97)*. Maui, Hawaii, vol. VI, p. 30-39. Retrieved January, 14, 2006 from <http://crowston.syr.edu/papers/genres-journal.html>.
- Dillon, A. & Gushrowski, B.A. (2000). Genre and the Web: Is the personal home page the first uniquely digital genre? *Journal of the American Society for Information Science*, 51, 202-205.
- Dudley-Evans, A. (1994). Genre analysis: an approach for text analysis for ESP. In M. Coulthard (ed.). *Advances in Written Text Analysis*. London: Routledge, 219 - 228.
- Finnemann, N.O. (1999). Hypertext and the representational capacity of the binary alphabet. Retrieved June, 11, 2007, from <http://www.hum.au.dk/ckultur/f/pages/publications/nof/hypertext.htm>.
- Hammerich, I. and Harrison, C. (2002). *Developing online content: The principles of writing and editing for the web*. New York: John Wiley & Sons.
- Henry, A., & Roseberry, R. L. (2001). A narrow-angled corpus analysis of moves and Strategies of the genre: "letter of application". *English for Specific Purposes*, 20, 153- 167.
- Holmes, R. (1997). Genre analysis and the social science: an investigation of the structure of research article discussion sections in three disciplines. *English for Specific Purposes*, 16, 321-337.
- Hopkins, A., & Dudley- Evans, T. (1988). A genre-based investigation of the discourse sections in articles and dissertations. *English for Specific Purposes*, 7, 113-121.
- Hyland, K. (2003). Genre-based pedagogies: a social response to process. *Journal of second Language writing*, 12, 17-29.
- Ji, X. (2015). Comparison of abstracts written by native speakers and second language learners. *Open Journal of Modern Linguistics*, 5 (5), 470-474.
- Kress, G. (2003). *Literacy in the New Media Age*. London: Routledge.
- Kwasnik, B. H., Crowston, K. (2005). Genre of digital documents. *Information, Technology and People*, 18 (2), 76-88.
- Lam, Y. W., Hew, K. F., & Chiu, K. F. (2017). Improving argumentative writing: Effects of a blended learning approach and gamification. *Language Learning & Technology*, 22(1), 97–118. <https://dx.doi.org/10125/44583>.

- Lemke, J. L. (2003). Multimedia genres and traversals. Retrieved January, 20, 2007 from <http://www.ersonal.umich.edu/~jaylemke/papers/IPrA%20Toronto%20Genres.htm>.
- Lewin, B. A, Fine, J. & Young, L. (2001). *Expository discourse: A genre-based approach to social science research texts*. London: Continuum.
- Nwogu, K. (1990). *Discourse variation in medical texts: Schema, theme and cohesion in professional and journalistic accounts*. Department of English Studies. University of Nottingham.
- Puchmüller, A. and Puebla, M. (2008). Analysis of the organizational and informational value of links in psychology and geology popular science hyperarticles. *Revista Signos*, 41 (68), 423-437.
- Salager- Meyer, F. (1990). Discoursal flaws in medical English abstracts: a genre analysis per research-and text type. *Text and Talk*, 10 (4). 365-384.
- Samraj, B. (2002). Introductions in research articles: Variations across disciplines. *English for Specific Purposes*, 21, 1-17.
- Shepherd, M., & Watters, C.R. (1998). The evolution of cybergenres. *Proceedings of the Thirty-First Annual Hawaii International Conference on System Sciences (HICSS '98)*. Hawaii, vol. II, 97-109.
- Swales, J. (1981). *Aspects of article introduction*. Birmingham, UK: The University of Aston, Language Studies Unit.
- Swales, J. (1990). *Genre analysis: English in academic and research settings*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Swales, J. (2004). *Research genres: Explorations and applications*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Thompson, S. (1993). Arguing experimental “facts” in science: a study of research article results sections in biochemistry. *Written Communication*, 10, 106-128.
- Williams, I. A. (1999). Result sections of medical research articles: analysis of rhetorical categories for pedagogical purposes. *English for Specific Purposes*, 18, 347-366.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی